

بررسی اثر جهانی شدن بر کارآیی فنی صنایع تولیدکننده آبمیوه

در ایران طی دوره ۸۲-۱۳۶۲

محمود دانشور کاخکی*، سیاوش دهقانیان**، محمدحسین کریم***

و سحر سلطانی****

چکیده

این مقاله به مطالعه اثر جهانی شدن اقتصاد بر کارآیی فنی صنایع تولیدکننده آبمیوه و کنسانتره می‌پردازد. از آنجایی که مشارکت کشورها در اقتصاد جهانی، امری اجتناب‌ناپذیر است، از یک طرف گسترش دامنه احتیاجات و از طرف دیگر تخصصی شدن تولید و پیدایش فناوری پیشرفته در این تولیدات، باعث شده است که هیچ کشوری از کشورهای دیگر بی‌نیاز، نباشد. با توجه به اهمیت صنایع تولید آبمیوه و کنسانتره و امکان پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی، ضرورت بررسی تأثیر جهانی شدن بر کارآیی این صنایع، امری اجتناب‌ناپذیر است. در این مقاله، برای اندازه‌گیری جهانی شدن از دو شاخص معیار سطح تجارت بین‌المللی^(۱) و معیار ادغام تجارت بین‌المللی^(۲) استفاده شده و اثر جهانی شدن بر کارآیی فنی، مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج این مطالعه نشان داد که جهانی شدن، اثر معنی‌داری بر کارآیی فنی این صنایع ندارد و در صورت عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی، نه تنها این صنایع از مسیر اصلی خود منحرف نخواهند شد، بلکه از مزایای بیشتری نیز مانند از بین رفتن موانع تجاری برخوردار خواهند شد.

کلید واژه ها: صنایع تولیدکننده آبمیوه / جهانی شدن / ایران / اقتصاد جهانی.

* دانشیار اقتصاد کشاورزی دانشگاه فردوسی مشهد

** استاد اقتصاد کشاورزی دانشگاه فردوسی مشهد

*** استادیار اقتصاد کشاورزی دانشگاه سیستان و بلوچستان

**** دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد کشاورزی دانشگاه فردوسی مشهد

مقدمه

یکی از پدیده‌های بسیار قابل توجه دهه اخیر در اقتصاد جهانی، ادغام رو به افزایش اقتصادها در سطح جهان است. اقتصاد جهان، شاهد بین‌المللی شدن روزافزون است. آثار این حرکت را می‌توان در افزایش بازرگانی بین‌المللی، جهانی شدن تولید و جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ملاحظه کرد. رشد متوسط سالانه مبادله کالا در سطح جهان، دو برابر رشد تولید جهانی در نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ بوده است. این نسبت در نیمه اول دهه ۱۹۹۰ به سه برابر افزایش یافته است.^(۳)

مفهوم جهانی شدن، از اوایل دهه ۱۹۸۰ به بعد متداول شد و در دهه ۱۹۹۰ ظهور و بروز عینی‌تری یافت^(۴). در مجموع، اُفت نرخ رشد اقتصاد در دهه ۱۹۷۰ منجر بدان شد که کشورهای بزرگ، در جستجوی بازارهای نو برآیند و تحولات فناوری و انقلاب انفورماتیک نیز زمینه‌ساز بروز فرآیند جهانی شدن اقتصاد شد.^(۵)

«جهانی شدن»، «جهان‌گستری» و «جهانی‌سازی» مفاهیمی هستند که با بار معانی مختلف برای توضیح و تبیین تحولات جهان معاصر، به ویژه طی سه دهه اخیر، به کار گرفته می‌شوند. در این مقاله به تعدادی از تعاریف جهانی شدن به شرح ذیل اشاره می‌کنیم:

پروفسور کول^(۶)، با بهره‌گیری از تعریف سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، جهانی شدن را الگوی تکامل یابنده‌ای از فعالیت‌های فرامرزی بنگاه‌ها و شرکت‌ها تعریف می‌کند که شامل سرمایه‌گذاری بین‌المللی، تجارت، و همکاری برای نوآوری و توسعه فرآورده‌های تازه و نو، تولید، منبع‌شناسی و بازاریابی است.^(۷)

آنتونیو گیدز^(۸)، جهانی شدن را فشردگی روابط اجتماعی می‌داند. این فشردگی، مکان‌های دور را چنان به هم می‌پیوندد که اتفاقاتی که در فواصل بسیار دور از دسترس رخ می‌دهد باعث شکل‌گیری رخدادهای محلی می‌شود.^(۹)

از نظر مک‌ایوان^(۱۰)، روند جهانی شدن اقتصاد به سوی توسعه و توزیع گسترده‌تر، آزاد و بین‌المللی و البته بدون حد و مرز و همچنین روابط و مبادلات تجاری و اقتصادی است.^(۱۱)

صندوق بین‌المللی پول، جهانی شدن را ادغامی وسیع‌تر و عمیق‌تر تعریف می‌کند. به عبارت دیگر، صندوق بین‌المللی پول، جهانی شدن را رشد و وابستگی متقابل در سراسر جهان می‌داند. این رشد و وابستگی متقابل را افزایش حجم و تنوع مبادلات کالا و خدمات و جریان سرمایه در ماورای مرزها و همچنین پخش گسترده‌تر و وسیع‌تر فناوری به وجود می‌آورد^(۱۲).

در حال حاضر ادغام در اقتصاد جهانی، امری اجتناب‌ناپذیر شده است. از یک طرف گسترش دامنه احتیاجات و از طرف دیگر تخصصی شدن تولید و پیدایش فناوری پیشرفته، باعث شده است که هیچ کشوری از کشورهای دیگر بی‌نیاز نباشد^(۱۳). در مورد ایران به نظر می‌رسد با توجه به وضعیت کشور در چند دهه اخیر، به ویژه در سال‌های بعد از انقلاب، ما تا حدود بسیار زیادی از فرآیند جهانی شدن به دور مانده ایم^(۱۴). طی مطالعه‌ای که درخصوص اندازه‌گیری جهانی شدن در سال ۲۰۰۴ انجام شده است، ایران مقام شصت و دوم را کسب کرد؛ اما ایرلند، سنگاپور و سوئیس به ترتیب مقام‌های اول تا سوم را به دست آوردند^(۱۵). از جمله عواملی که ما را ظرف ۲۵ سال اخیر از فرآیند جهانی شدن تا حدودی برکنار داشته است عبارت‌اند از^(۱۶):

- ۱- کاهش سهم ایران در تجارت کالا در سطح جهان
- ۲- کاهش سهم تجارت در تولید ناخالص داخلی
- ۳- ناچیز بودن سهم ایران در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سطح جهان
- ۴- حمایت‌های گسترده از قبیل ممنوعیت ورود کالا، سهمیه‌بندی، اعمال نرخ‌های ارز چندگانه و موارد دیگر
- ۵- عدم عضویت در ترتیبات تجاری جهانی و عدم بهره‌گیری مناسب از ترتیبات منطقه‌ای
- ۶- عدم هماهنگی قوانین، مقررات و سیاست‌های اقتصادی کشور با تحولات جهانی
- ۷- دیدگاه‌های فرهنگی و مشکلات سیاسی
- ۸- سهم غالب دولت در اقتصاد و انحصاری بودن برخی فعالیت‌ها

با وجود مشکلات موجود، به نظر می‌رسد که پیوستن به روند جهانی شدن اقتصاد، امری گریزناپذیر است. در این میان، تولیدات صنایع غذایی که جزء ارزآورترین کالاهای صادراتی کشوراند، قابلیت تسخیر بازار جهانی مواد غذایی را دارا هستند. دلیل این امر این است که ارزشی محصولات کشاورزی که مواد اولیه صنایع تبدیلی را تشکیل می‌دهند بسیار اندک است. برخی از صنایع مانند کنسانتره، با ۹۹ درصد صادرات، قدرت بالایی برای حضور در کشورهای اروپایی دارند^(۱۷).

بر اساس آمار، سهم ایران از معاملات ۵ میلیارد دلاری سالانه کنسانتره و آبمیوه در جهان، تنها ۲۵ تا ۳۰ میلیون دلار است که تنها ۰/۶ درصد از بازار آبمیوه جهان را دربرمی‌گیرد. درحالی که ترکیه با تولیدی معادل ایران ۰/۸ درصد از بازار جهانی را در اختیار دارد. عمده خریداران کنسانتره ایران، کشورهای آلمان، ایتالیا و ترکیه هستند. این کشورها با تبدیل کنسانتره به آبمیوه، بار دیگر آن را به آمریکا، کانادا، سوییس و ژاپن صادر می‌کنند و سود اصلی در این تجارت، نصیب کشورهای خریدار کنسانتره می‌شود^(۱۸). با وجود رشد کمی و تا حدودی کیفی صنایع غذایی در دوران پس از انقلاب، این بخش هنوز به ظرفیت بالقوه بالای خود برای تسخیر بازار جهانی مواد غذایی، نرسیده است.

مواد و روش‌ها

روش اندازه‌گیری جهانی شدن: مطالعات انجام شده در زمینه اندازه‌گیری جهانی شدن به شرح ذیل است:

سیگر^(۱۹)، متغیر جریان تجارت صنعتی بین شمال و جنوب را در مقایسه با تولید ناخالص داخلی^(۲۰) - که نشان دهنده ادغام جنوب در تجارت جهانی است - و تغییر قیمت‌های نسبی را به عنوان شاخص‌های جهانی شدن، در مطالعه خود مطرح کرده است. وی مطالعه خود را بر روی کشورهای عضو «سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه»^(۲۱) انجام داد^(۲۲).

لیندا بیر و تری باسول^(۲۳)، در سال ۲۰۰۱ مطالعه‌ای در زمینه اثر جهانی شدن بر نابرابری توزیع درآمد انجام داده‌اند. این مطالعه نشان می‌دهد که جهانی شدن، نابرابری درآمدها را به دنبال خواهد داشت. این مطالعه، توضیح داده است که جهانی شدن با توجه به وابستگی کشورها به سرمایه‌گذاری خارجی در وضعیت ادغام در تجارت جهانی، باعث افزایش نابرابری درآمدها خواهد شد^(۲۴).

گرت^(۲۵) و رودریک^(۲۶)، اثر یکپارچگی تجاری بر رفتار مصرف عمومی را با استفاده از متغیر مجموع صادرات و واردات، نسبت به تولید ناخالص داخلی مورد مطالعه قرار داده‌اند. در بررسی یکپارچگی بازار سرمایه نیز متغیرهایی از قبیل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (سوانک^(۲۷) و گرت^(۲۸))، استقراض از بازارهای بین‌المللی (سوانک^(۲۹))، قدر مطلق نرمال شده تفاوت بین پس‌انداز و سرمایه‌گذاری (کوساک^(۳۰))، درجه آزادسازی بازار سرمایه (گرت، کوئین^(۳۱) و سوانک) به عنوان شاخص‌های جهانی شدن در مطالعات به کار رفته‌اند.

مطالعه دیگری که مکيجا^(۳۲)، کیم^(۳۳) و ویلیامسون^(۳۴) در مورد صنایع شیمیایی و کارخانه‌ای پنج کشور (آمریکا، ژاپن، فرانسه، آلمان، انگلستان) انجام داده‌اند، از دو معیار سطح تجارت بین‌المللی و معیار ادغام تجارت بین‌المللی برای اندازه‌گیری جهانی شدن استفاده شده است^(۳۵).

معیار سطح تجارت بین‌المللی: این معیار، برای تمایز صنایع با ارتباطات بین‌المللی کمتر و بیشتر است. LIT، سهم تجارت بین‌المللی را در ارتباط با کل مصرف صنعت (در مقایسه با سایر بازار) نشان می‌دهد. کل مصرف را، کل تولیدات صنعتی و واردات، منهای صادرات اندازه‌گیری می‌کند.

$$LIT_{it} = \frac{X_{it} + M_{it}}{P_{it} + M_{it} - X_{it}}$$

برای هر صنعت i در سال t ، LIT_i سطح تجارت بین‌المللی، X_i صادرات، M_i واردات، P_i سطح تولید است.

LIT کوچک‌تر، نشان می‌دهد که ارتباطات بین‌المللی صنعت (واردات و صادرات) جنبه مهم صنعت نیست و صنعت با توجه به حجم کم تولید خود، کمتر در تجارت شرکت می‌کند و بر عکس.

LIT اگرچه شاخص بسیار مناسبی است اما فقط شرط لازم محسوب می‌شود؛ و شرط کافی برای اندازه‌گیری جهانی شدن اقتصاد نیست.

معیار ادغام تجارت بین‌المللی: این معیار همان شاخص تجارت بین صنعت گریناوی و میلنر^(۳۶) و گروبل و لوید^(۳۷) و هانسون^(۳۸) است که ادغام جهانی یک صنعت را اندازه‌گیری می‌کند.

$$IIT_{it} = 1 - \frac{|X_{it} - M_{it}|}{M_{it} + X_{it}}$$

برای هر صنعت i در سال t ، IIT_i ادغام تجارت بین‌المللی، X_i صادرات و M_i واردات است.

طبق تعریف، IIT بین صفر و یک قرار می‌گیرد. صفر، نشان‌دهنده نبودن تجارت در درون صنعت است؛ یعنی تجارت فقط شامل صادرات یا واردات می‌شود^(۳۹) و یک، بیانگر تجارت درون صنعتی کامل است.

پژوهشگران دریافته‌اند که IIT ، شاخص مناسبی برای فهم جهانی شدن در صنعت است؛ آنان برای اثبات مدعای خود دلایل زیر را مطرح کرده‌اند:

— شواهد تجربی و کاربردی موجود اطمینان می‌دهد که IIT تابعی از عواملی است که برای جهانی شدن شناسایی شده‌اند.

— مطالعات پیشین نشان می‌دهد که IIT با اکثر عوامل مؤثر بر جهانی شدن، ارتباطی مثبت دارد.

برخی از این عوامل عبارت‌اند از:

- ۱- سلیقه مشترک یا تشابه تقاضا در بازار کشورهای مختلف برای محصولی مشخص
- ۲- صرفه‌جویی‌های اقتصادی

۳- ساختار بازار رقابتی

۴- موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای کمتر

۵- سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و ظهور شرکت‌های چند ملیتی (هرچه سرمایه‌گذاری خارجی و ظهور کشورهای چند ملیتی بیشتر باشد، IIT بزرگ‌تری خواهیم داشت).

دو معیار معرفی شده IIT و LIT با هم، تشخیص چهار نوع از صنعت بین‌المللی را ممکن می‌سازد:

الف - صنعت چند جانبه داخلی: در این حالت، رقابت در هر کشور، مستقل از بقیه کشورهاست. در این حالت، LIT کوچک‌تر به همراه IIT بزرگ نشان می‌دهد که صادرات و واردات، نقش مسلط ندارند و صنعت از نوع چند جانبه داخلی است. IIT و LIT با هم این واقعیت را منعکس می‌کنند که واردات و صادرات گرچه در تعادل‌اند، ولی بخش کوچکی از تولید داخلی محسوب می‌شوند.

ب - صنعت چند جانبه داخلی در حال انتقال: در این حالت، LIT کوچک (برتری کم صادرات یا واردات) است که مراحل بالاتری از جهانی شدن را در مقایسه با حالت «الف» نشان می‌دهد. در این مرحله، تأکید نسبتاً معنی‌داری بر روی صادرات یا واردات وجود دارد.

ج - صنعت جهانی ساده: در این حالت، دامنه رقابت صنعت، وسیع می‌شود و از مرزهای ملی فراتر می‌رود. در این مورد، LIT بالا نشان‌دهنده ارتباط بین‌المللی بالا و IIT کوچک، بیانگر تجارت با برتری اندک صادرات است. چنین صنعتی محصولات نهایی یا تقریباً نهایی را به کشورهای دیگر صادر می‌کند.

د - صنعت جهانی یکپارچه: در این حالت، رقابت بین‌المللی بالایی برقرار است و مزیت نسبی، از پراکنش جغرافیایی فعالیت‌های ارزش‌افزا حاصل می‌گردد. LIT و IIT بزرگ در این حالت، بیان‌کننده تجارت جهانی مسلط بر صنعت داخلی است. به عبارت دیگر، در این حالت، واردات و صادرات، زیاد صورت می‌گیرد.

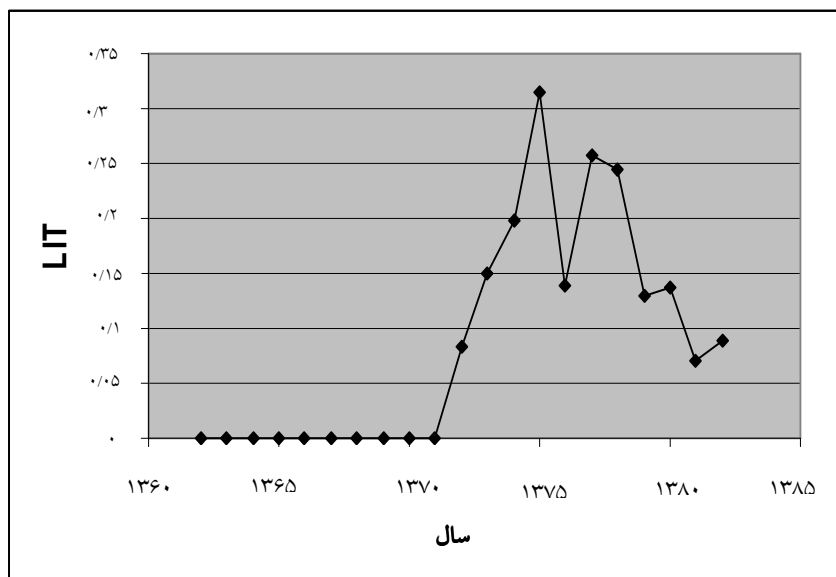
نتایج و تجزیه تحلیل آماری

بررسی روند جهانی شدن در صنایع تولیدکننده آبمیوه

در این قسمت با استفاده از دو شاخص مطرح شده، یعنی LIT (معیار سطح تجارت بین‌المللی) و IIT (معیار ادغام تجارت بین‌المللی) تلاش می‌گردد که جایگاه صنایع تولیدکننده آبمیوه در روند جهانی شدن مشخص گردد.

LIT با استفاده از اطلاعات جمع آوری شده^(۴۰) برای کدهای تعرفه‌ای ۲۰۰۹ (بر اساس سیستم هماهنگ شده توصیف و کدگذاری کالا شامل آب پرتقال، آب مرکبات، آب گریپ فروت، آب سیب، آبمیوه مخلوط و آب انگور)، طی دوره ۸۲-۱۳۶۲ محاسبه شده و در نمودار ۱ به نمایش درآمده است. با مشاهده این نمودار می‌توان به این نتیجه رسید که این شاخص طی سال‌های ۷۱-۱۳۶۲ صفر بوده است. دلیلی که می‌توان برای این امر ذکر کرد این است که به خاطر حاکمیت وضعیت جنگی در ایران طی سال‌های یاد شده، میزان تولید به دلیل کاهش سرمایه‌گذاری در این گونه بخش‌ها تفاوت معنی‌داری با سال‌های پس از آن داشته است. از طرف دیگر، کاهش تجارت در این دوره، منجر به کاهش بسیار زیاد صادرات آبمیوه شده است. بنابراین، ترکیب این دو معیار، سطح تجارت بین‌المللی را در طی این سال‌ها برابر صفر قرار داده است. این شاخص طی سال‌های ۷۵-۱۳۷۲ روند صعودی داشته، اما در سال ۱۳۷۶ کاهش نسبتاً زیاد و در سال‌های بعد، روند نزولی داشته است. در سال‌های اخیر، این شاخص به دلیل افزایش واردات (از سال ۱۳۷۸) و کاهش صادرات، روند نزولی نشان می‌دهد. بیشترین مقدار این شاخص در سال ۱۳۷۵ بوده است.

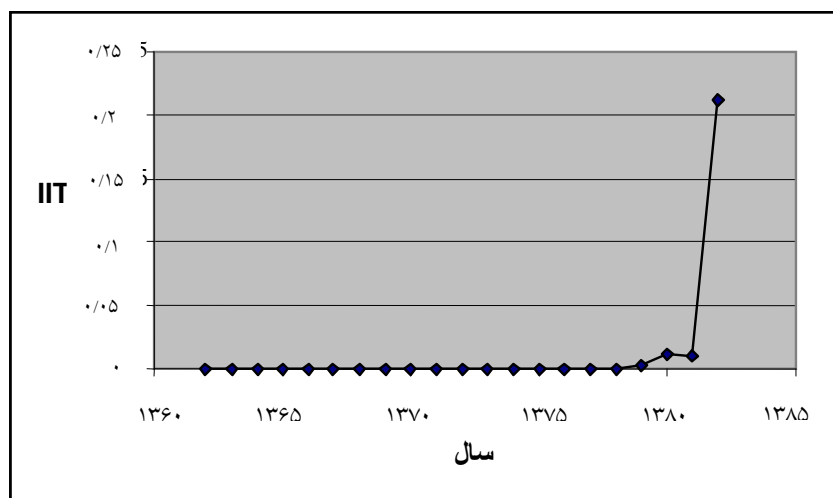
نمودار ۱- شاخص LIT (معیار سطح تجارت بین‌المللی)
برای کشور ایران طی دوره ۸۲-۱۳۶۲



منبع: یافته‌های پژوهش

معیار دوم، IIT (معیار ادغام تجارت بین‌المللی) نیز برای ایران در طی مقطع زمانی ۸۲-۱۳۶۲ محاسبه شده و در نمودار ۲ به نمایش در آمده است. این رابطه تنها بر اساس تجارت بوده و تولید در آن بی تأثیر است. مقدار این شاخص طی سال‌های ۷۷-۱۳۶۲ برابر صفر بوده است و همان گونه که ذکر شد بیانگر این است که تجارت در درون صنعت در طی این سال‌ها وجود نداشت. به عبارت دیگر، تجارت فقط شامل صادرات بوده است؛ اما پس از آن، این شاخص به استثنای سال ۱۳۸۱ روند صعودی داشته و در سال ۱۳۸۲ به بالاترین مقدار خود رسیده است.

نمودار ۲- شاخص IIT (ادغام تجارت بین‌المللی)
برای کشور ایران طی دوره ۸۲-۱۳۶۲



منبع: یافته‌های پژوهش

بررسی هم‌زمان این دو شاخص نشان می‌دهد که صنایع تولیدکننده آبمیوه و کنسانتره در طی این سال‌ها از صنعت چندجانبه داخلی به صنعت چندجانبه داخلی در حال انتقال، بهبود یافته است. با این حال، هنوز این صنعت در روند جهانی شدن قرار نگرفته است.

تخمین اثر جهانی شدن بر کارایی فنی

برای محاسبه کارایی فنی، با استفاده از اطلاعات جمع‌آوری شده طی دوره ۸۲-۱۳۶۲^(۴۱) تابع تولید به فرم ترانسندنتال تخمین زده شد. پس از رفع خود همبستگی، فرم تابع تخمین زده شده به صورت زیر است:

$$LNY = 14/98 + 0/196L NK - 0/804LNL + 0/0003L - 1/28 \times 10^{-Y} K$$

$$(10/45) \quad (-4/28) \quad (1/88) \quad (-2/39) \quad (5/38)$$

$$R^2 = 0/99 \quad DW = 1/8$$

که در تابع بالا

Y : ظرفیت تولید آبمیوه بر حسب تن

L : نیروی کار بر حسب نفر

K : سرمایه بر حسب میلیون ریال است.

آماره t متغیرها نشان‌دهنده معنی داری دو متغیر نیروی کار و سرمایه است. بعد از تخمین تابع تولید، ایستا بودن باقیمانده تابع تولید را مورد بررسی قرار داده و با بهره‌گیری از آزمون دیکی فولر ملاحظه گردید که باقیمانده در سطح ۱۰ درصد معنی‌دار است. برای تخمین کارایی فنی از روش COLS استفاده شده است. کارایی فنی محاسبه شده در جدول ۱ نشان داده شده است^(۴۲).

جدول ۱ - کارایی فنی صنایع تولید کننده آبمیوه در ایران

طی دوره ۸۲-۱۳۶۲

سال	۱۳۶۲	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵	۱۳۶۶	۱۳۶۷	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲
EF	۰/۹۱۷	۰/۹۲	۰/۹۲	۰/۹۲	۰/۹۲	۰/۹۹	۰/۹۹	۰/۹۹	۰/۹۹	۱	۰/۹۹
سال	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	
EF	۱	۰/۹۹	۰/۹۹	۰/۹۹	۰/۹۹	۰/۹۹	۰/۹۹	۰/۹۹	۰/۹۹	۰/۹۷	

مأخذ: یافته‌های پژوهش

در مرحله بعد به بررسی اثر جهانی شدن بر کارایی فنی می‌پردازیم. برای بررسی اثر جهانی شدن بر کارایی فنی صنایع تولید کننده آبمیوه، متغیر IIT را به عنوان

متغیر مستقل همراه سهم هر یک از نهاده‌ها در تولید در تابع وارد می‌کنیم. پس از رفع خود همبستگی، تابع بر آوردی به صورت زیر است:

$$\text{LNEF} = -0.23 - 0.18\text{LNS}_1 - 0.67\text{LNS}_2 - 0.01\text{LNIIT}$$

$$(-3.37) \quad (-2.87) \quad (-6.06) \quad (-0.64)$$

$$R^2 = 0.93 \quad DW = 1.85$$

در تابع فوق

EF: کارایی فنی

S₁: نسبت موجودی کل سرمایه به تولید (K/Y)

S₂: نسبت نیروی کار به تولید (L/Y)

IIT: معیار ادغام تجارت بین‌المللی است.

با توجه به آماره t متغیرها، نسبت نیروی کار به تولید و سرمایه به تولید معنی دارند. ضریب معیار ادغام تجارت بین‌المللی (شاخص جهانی شدن) در این معادله، بی‌معنی شده‌اند که مبین عدم تأثیر پذیری کارایی فنی صنایع تولیدکننده آبمیوه و کنسانتره از این پارامتر است.

نتیجه‌گیری

با توجه به دو شاخص مطرح شده معیار «سطح تجارت بین‌المللی» و معیار «ادغام تجارت بین‌المللی» نتیجه می‌گیریم که جایگاه صنایع تولیدکننده آبمیوه در روند جهانی شدن، از صنعت چند جانبه داخلی به صنعت چند جانبه داخلی در حال انتقال، بهبود یافته است. با این حال هنوز این صنعت در روند جهانی شدن قرار نگرفته است. این امر به این معنی است که این صنعت با وجود ارزآوری بالا، تنها توانسته است از حالت صنعت چند جانبه داخلی - که واردات و صادرات، بخش کوچکی از تولید داخلی هستند - به صنعت چند جانبه داخلی در حال انتقال، تغییر یابد؛ در حالی که با وجود توانایی بالای آبمیوه در تسخیر بازارهای جهانی (به دلیل

طعم خوش میوه ایران) می‌بایست تا به حال در عرصه تجارت جهانی به سطح صنعت جهانی ساده و صنعت جهانی یکپارچه ارتقاء می‌یافت.

با توجه به نتایج مدل‌های یاد شده، می‌توان گفت که در طی دوره مورد مطالعه (۸۲-۱۳۶۲)، متغیر معیار ادغام تجارت بین‌المللی به عنوان شاخص جهانی شدن، اثر معنی‌داری بر کارآیی فنی صنایع تولید کننده آبمیوه و کنسانتره نداشته است. به عبارت دیگر، در صورت عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی، این صنایع از مسیر اصلی خود منحرف نمی‌شوند و جهانی شدن هیچ تأثیری بر کارآیی فنی این صنایع نخواهد گذاشت. جهانی شدن در صورتی اثر مثبت خواهد داشت که بخش یا بخش‌هایی از اقتصاد، توانایی عرضه کالا به بازارهای جهانی را داشته باشد. در مورد صنایع تولیدکننده آبمیوه و کنسانتره، به ویژه کنسانتره، این توان رقابتی وجود دارد. بنابراین، در صورت آزاد سازی تجاری، سرمایه‌گذاری در صنایع کنسانتره (به دلیل قیمت فوق‌العاده بالای آن در بازار جهانی) سودمندتر از آبمیوه خواهد بود. یکی از دلایل حضور منفعل صادرات آبمیوه و کنسانتره ایران در بازار جهانی، محروم بودن ایران از امتیازات بازار مشترک - به دلایلی مانند عدم عضویت در سازمان تجارت جهانی - است. به این دلیل که اروپا واردکننده عمده کنسانتره ایران است، اعمال تعرفه‌های تخصیصی اتحادیه اروپا باعث کاهش قدرت رقابت محصولات صادراتی ایران در بازارهای اروپایی می‌شود.

بنابراین، جهانی شدن اقتصاد کشور مستلزم آن است که با عضویت در سازمان تجارت جهانی، امکان بهره‌گیری از فرصت‌ها و امتیازات موجود در این عرصه برای اقتصاد کشور فراهم شود؛ در غیر این صورت، ورود در عرصه‌های جهانی - که هر روز بیش از روز قبل با استفاده از این امتیازات، قوی‌تر و نفوذناپذیرتر می‌شوند - امکان‌پذیر نخواهد بود. بنابراین، تقویت ارتباطات و همکاری با دیگر مجامع منطقه‌ای و بین‌المللی مانند اتحادیه اروپا ضرورت دارد. قوانین و مقررات اقتصادی و تجاری که به طور مستقیم بر مبادلات ما با جهان خارج تأثیر گذارند نباید بدون توجه به قوانین و مقررات حاکم در جهان، تنظیم گردند. برای نمونه، قانون جلب و

حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی، قانون صادرات و واردات، قانون امور گمرکی، قانون تجارت و... نمی‌توانند تنها با نگاه به داخل، تنظیم و اجرا گردند. گام دیگر در جهت کمک به این اهداف، حرکت به سمت استفاده فراگیر از استانداردها و قواعد جهانی و در نهایت، اجباری ساختن آنهاست. استانداردهای بهداشتی و زیست‌محیطی در مورد تولیدات کشاورزی (کود و سم مصرف شده و...) و وسایل حمل و نقل بین‌المللی کشور از جمله موارد قابل ذکر هستند. صادرات صنایع تبدیلی، مستلزم این است که ما از نظر فناوری ورود ماشین‌های مورد نیاز صنایع غذایی، به ویژه در زمینه بسته‌بندی محصولات، در حد لازم سرمایه‌گذاری کنیم.

یادداشت‌ها

1. Level of International Trade (LIT)

2. Integration of International Trade (IIT)

۳- بهکیش، ۱۳۸۰

۴- قریب، ۱۳۸۰

۵- قزلسقلی، ۱۳۷۹

6. Koal

۷- بهکیش، ۱۳۸۰

8. Antonio Guedes

۹- صداقت، ۱۳۷۹

10. Macewan

۱۱- پوراحمدی میبدی، ۱۳۷۹

۱۲- قزلسقلی، ۱۳۷۹

۱۳- نظری و بازرگانی نیا، ۱۳۸۳

۱۴- سازمان مدیریت و برنامه ریزی، ۱۳۸۲

15. Kearney, 2004

۱۶- سازمان مدیریت و برنامه ریزی، ۱۳۸۲

۱۷- ظهیری، ۱۳۸۰

۱۸- موسوی دوست، ۱۳۸۰

19. Saeger
20. Gross Domestic Product (GDP)
21. Organization for Economic Cooperation and Development (OECD)
22. Saeger, 1997
23. Linda Beer and Terry Boswell
24. Beer and Boswell, 2001
25. Garrett, 1998a
26. Rodrik, 1998
27. Swank, 1998a
28. Garret, 1995
29. Swank, 1998b
30. Cusack, 1997
31. Quinn, 1997
32. Mona R. Makhija
33. Kwang Soo Kim
34. Sandra Williamson
35. Makhija et al., 1997
36. Greenaway and Milner, 1986
37. Grubel and Lloyd, 1975
38. Hansson, 1991

۳۹- قدر مطلق لحاظ شده است.

۴۰- گمرک جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۲

۴۱- اداره صنایع و معادن استان خراسان رضوی، ۱۳۸۲

۴۲- بدیهی است الگوهای سری زمانی بر خلاف الگوهای اقتصادسنجی که از اطلاعات مربوط به نظریه‌های اقتصاد سود می‌جویند تنها از اطلاعات مربوط به داده‌های آماری استفاده می‌کنند و توجهی به مبانی نظری نظریه‌های اقتصادی ندارند. ر. ک. نوفرستی، ۱۳۷۸، ص ۷.

منابع

- اداره صنایع و معادن استان خراسان رضوی (۱۳۸۳)، *لوح فشرده گزارش کارخانه‌های فعال تولیدکننده آبمیوه و کنسانتره در کشور*. مشهد: اداره صنایع و معادن استان خراسان رضوی.
- بهکیش، محمد مهدی (۱۳۸۰)، *اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن*. چ اول، تهران: نشر نی.
- پوراحمدی میبیدی، حسین (۱۳۷۹)، «جهانی شدن اقتصاد و منطقه‌گرایی اقتصادی و تجاری». *مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی*. ش ۱۵۶ و ۱۵۵.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (۱۳۸۲)، *مجموعه گزارش‌های همایش چالش‌ها و چشم اندازهای توسعه ایران*. هم‌اندیشی پژوهشگران و نظریه‌پردازان کشور، مجموعه پنجم، تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، صص ۳۳-۱.
- صداقت، پرویز (۱۳۷۹)، «سرشت جهانی شدن و زمینه‌های جهانی شدن». *ماهنامه بورس*. ش ۲۰.
- ظهیری، شاهرخ (۱۳۸۰)، «صنایع غذایی: چالش‌ها و راهکارها». *بهکام، نشریه تخصصی صنایع غذایی*. دوره اول، ش ۱۱، ص ۵۰.
- قریب، حسین (۱۳۸۰)، «جهانی شدن و چالش‌های امنیتی جمهوری اسلامی». *مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی*. ش ۱۶۸-۱۶۷.
- قرلسقلی، محمدتقی (۱۳۷۹)، «جهانی شدن رویارویی یا همزیستی». *مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی*. ش ۱۵۶ و ۱۵۵.
- گمرک جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۲)، *سالنامه آمار بازرگانی خارجی جمهوری اسلامی ایران (صادرات و واردات طی دوره ۸۲-۱۳۶۲)*. تهران: معاونت طرح و برنامه، دفتر آمار خدمات ماشینی.
- موسوی دوست، رجبعلی (۱۳۸۰)، «تحولات صنعت غذا». *بهکام نشریه تخصصی صنایع غذایی*. دوره اول، ش ۱۱، ص ۸.
- نظری، محسن و بازرگانی نیا، معصومه (۱۳۸۳)، «بررسی اثر جهانی شدن بر صنایع نساجی، پوشاک و چرم طی دوره ۷۸-۱۳۵۷». *مجله تحقیقات اقتصادی*. ش ۸۴، صص ۱۲۶-۱۰۳.
- نوفرستی، محمد (۱۳۷۸)، *ریشه واحد و هم جمعی در اقتصادسنجی*. چ اول، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.

- Beer , Linda and Boswell, Terry (2001) , “The effect of globalization on inequality; A gross-national analysis” . *Approx World Account*.No.10,p .972.
- Cusack, T.R. (1997), "Partisan politics and public finance: Changes in public spending in the industrialized democracies 1955-1998. *Public Choice*. No. 91, pp. 375-395.
- Garrett, Geoffrey (1995), "Capital mobility, trade and the domestic politics of economic policy". *International Organization*. Vol. 49, No. 4, pp. 657-687.
- Garrett, Geoffrey (1998a), “ Global markets and national politics: Collision course or virtuous circle?” *International Organization*. No. 52, Issue 4, pp.787- 824
- Greenaway, D. and Milner, C. (1986), *The Economics of Intra-Industry*. Oxford: Basil.
- Grubel, H.G. and Lloyd, P.J.(1975), *Intra-Industry Trade*. London: Macmillan.
- Hansson ,P.(1991), “Determinants of intra-industry specialization in Swedish foreign trade ,Scand”. *Journal of Economics*, Vol. 93, pp. 391-405.
- Kearney, A.T. (2004), “Measuring globalization: Economic reversals, forward moment”. Foreign Policy Magazine Globalization Index. www.foreignpolicy.com .
- Makhija, M.R.; Kim, K.S. and Williamson, S. (1997), “Measuring globalization of industries using a national industry approach: Empirical evidence across five countries and over time”.*Journal of International Business Studies* .fourth quarter.
- Quinn, Dennis P. (1997), "The Correlates of changes in international financial regulation". *American Political Science Review*. No. 91, pp. 531-551.
- Rodrik, D. (1998), “Why do open economies have bigger governments?”. *Journal of Political Economy*. No.106, pp. 997-1032.
- Saeger , S.(1997) , “ Globalization and deindustrialization : Myth and reality in the OECD” *Weltwirtschaftliches Archiv*. No.133,pp.579-608.
- Swank, D. (1998a), "Funding the welfare state: Globalization and the taxation of business in advanced market economies". *Political Studies*. Vol. 46, No. 4, pp. 671-692.

Swank D. 1998b. "Global capital, democracy, and the welfare state: why political institutions are so important in shaping the domestic response to internationalization". Centre for German and European Studies. **Working Paper**. No. 1, p. 66, Berkeley: University of California.